



عبدالاحمد فیض

جرم چیست و عناصر تشکیل دهنده آن کدام است؟

جرم پدیده ای اجتماعی است که از بدوی پیدایش انسان در جامعه بشری وجود داشته و موازی به رشد و تکامل تدریجی جامعه بشری و با زایش اسباب ، ابزار و روش‌های گوناگون و چگونگی مناسبات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه روند تکاملی خود را علی‌ارغم مخالفت‌های گسترده اجتماعی متناسب به ناسازگاری‌های فزاینده حاکم پیموده است ، واژه جرم به معنای گناه ، تعدی، معصیت و یا عصیان است که منافع ، امنیت و ارزش‌های فردی و اجتماعی را هدف قرار میدهد.

حقوقدانان تعاریف متفاوتی از جرم ارائه داشته است و اما مناسب‌ترین تعریف که طیف وسیع از محافل علمی بدان تاکید داشته است عبارت است از:

((جرم عبارت از ارتکاب عمل خلاف قانون و یا امتناع از انجام عمل است که شخص قانوناً به انجام آن مکلف است)) فلذا متکی بر تعریف فوق هیچ عملی را نه میتوان جرم توصیف نمود مگر مطابق احکام قانونیکه در زمان وقوع فعل نافذ باشد. لازم به یادمانی است که توصیف قانونی جرم محصول تئوری متفکر بزرگ مانتسکیو، مساعی و تلاش‌های علمی دانشمندان شه‌ریبیکاریا ونهضت روشنگری سده هجدهم بود که در برابر قدرت روحانیون مرتجع قیام نمودند و به استبداد شاهان مطلقه که هر عمل مخالف شانرا جرم شمرده و با اجرای مجازات غیرانسانی می پرداخت ، نقطه فرجام گذاشته و نخستین بار در تاریخ بشری دکتورین قانونیت جرایم و مجازات که در یکی از مباحث گذشته روزنه به تفصیل بدان پرداخته شد، بمثابه یکی از اصول برارنده حقوق وارد نظام حقوقی دولتها گردید.

هکذا با یست متذکر شد که در کیمنولوژی (جرم شناسی) و در پینولوژی یا (جزاشناسی) نظریه متفکران در قبال پدیده جرمی متفاوت بوده چنانچه عده ای معتقد است که ارتکاب عمل جرمی یک پدیده ارثی است و با ایقان کامل تاکید می ورزند که افراد ارتکاب عمل خلاف قانون و بزه کاری را از والدین به ارث گرفته و سرانجام بیک عنصر منفی و مضر در جامعه مبدل میگردد، همچنان عده دیگر شخصیت فطری و محیط اجتماعی را در ظهور فرد بمثابه جنایتکار دخیل دانسته است. اما با پیروی ازین دکتورین غالب که جرم یک پدیده اجتماعی دارای کرکتر طبقاتی است، بنابراین ماهیت حقوقی و نیز فرهنگی و سیاسی این پدیده طبقاتی بیانگر آن است که وجود طبقات متضاد اجتماعی، توزیع غیر عادلانه منابع مادی و ثروتها، فقر فرهنگی ، استبداد حاکم، تهی دستی و بیعدالتی‌های گسترده، ازین‌یادی ترین فکتورهای است که افراد را به ارتکاب جرم سوق میدهد. افزون برین به محض پیش بینی یک عمل بمثابه فعل نا مشروع در قانون یا بعبارت دیگر توصیف یک عمل بمثابه عملکرد جرمی نمیتوان فردی را به ظن ارتکاب جرم مجازات نمود مگر اینکه عناصر سه گانه ذیل در ارتکاب فعل غیر قانونی محقق گردد.

الف- عنصر قانونی جرم

طوری که در فوق تذکر بعمل آمد، یک عمل زمانی وصف جرمی کسب مینماید که در قانون جرم توصیف گردیده و مجازات آن قبل ارتکاب فعل مشخص شده باشد (اصل قانونیت جرم و جزاء) چنانچه در ماده دوم کود جزائی کشور چنین میخوانیم: (هیچ عمل جرم پنداشته نمی شود مگر به موجب قانونیکه در زمان انجام فعل نافذ باشد)

ب- عنصر معنوی جرم

عنصر معنوی جرم مبیین اراده و خواست مجرم بمنظور ارتکاب عمل غیر قانونی یا جرم است که در صورت عدم اراده مجرمانه نزد فاعل، جرم محقق نمیگردد. بایست اذعان داشت که عنصر معنوی جرم نزد فاعل بدو شکل وجود خارجی کسب مینماید:

اول- عنصر معنوی جرمی به شکل (قصد)

دوم- عنصر معنوی جرم به گونه (خطا)

اول- قصد جرمی نزد فاعل زمانی تحقق مییابد که فاعل به اراده آزاد مرتکب عمل جرمی به نحوی گردد که عملکرد مجرمانه منجر به نتیجه جرمی گردیده و رابطه سببیت فی مابین عمل و نتیجه تحقق یابد.

دوم خطا: خطا در جرم زمانی تحقق مییابد که اراده ارتکاب جرمی نزد فاعل وجود نداشته و اما جرم خارج از اراده مرتکب در نتیجه اهمال، غفلت، و تساهل فاعل تحقق می یابد. بایست متذکر شد که خطا در جرم بدو گونه متفاوت و جداگانه فاعل را به سوی جرم سوق میدهد:

-خطا در قصد

-خطا در فعل

-خطا در قصد فاعل درست در فرصتی بوقوع می پیوندد که فاعل قصد انجام یک عمل معینی دارد که جرم پنداشته نمی شود و در نتیجه غفلت و سهوه که انجام میدهد جرم واقع میشود، بطور مثال مردی را مطمح نظر قرار دهیم که در یک جنگل مصروف شکار آهو است، موصوف شخصی را به گمان اینکه آهو را شکار میکند هدف گلوله قرار می دهد لذا درین حالت قتل سهوی به صورت خطا در قصد محقق میگردد و یا پرستاری به تجویز دکتر مؤظف بایست تابلیت تجویز شده به مریض دهد و اما در نتیجه غفلت در قصد وی ادویه مسموم کننده که در جمع ادویه در اختیار دارد به مریض میدهد و در نتیجه مریض حیات خود را از دست میدهد که درین حالت قصد در دادن تابلیت به مریض وجود داشته و اما خطای که در قصد پرستار محقق میگردد، جرم واقع میگردد که همانا قتل سهوی خواهد بود.

-خطا در فعل مجرم زمانی وجود خارجی کسب میکند که فاعل با اهمال و سهل انگاری در عملکردش مرتکب عمل جرمی میگردد، مثلاً شخص حین شلیک گلوله بالای یک شکار دستش لغزیده که در نتیجه گلوله به شخصی اصابت میکند که در پیرامون شکار مورد نظر در حال گشت زنی بوده است لذا درین وضعیت معین قتل سهوی در نتیجه خطا در فعل مجرم وارد صحنه میگردد و غیره.

ج- عنصر مادی جرم

این عنصر زمانی محقق میگردد که فاعل با داشتن اراده مجرمانه عملاً به ارتکاب عمل خلاف قانون مبادرت و یا از انجام وجبیه قانونی امتناع ورزد.

هكذا تصریح باید نمود که از دید حقوقی جرایم مانند جرایم علیه تمامیت جسمانی، جرایم علیه تمامیت

اموال، جرایم علیه تمامیت معنوی و سایر جرایم به مجرد تحقق عناصر سه گانه تشکیل دهنده جرم، بدون موجودیت اصل شرایط مسوولیت جزائی قابل تعقیب دانسته نخواهد شد.

مسؤولیت جزائی از ترتم های براننده حقوقی است که اراده مجرمانه را نزد فاعل در چهارچوب درک، فهم و اهلیت حقوقی مظنون به ارتکاب جرم مورد بحث قراردادده ولذا دادگاه ویا قاضی مکلف است که در صورت رسیدگی به قضایا اصل واجد شرایط مسوولیت جزائی را بمنظوراتخاذ یک تصمیم عادلانه قضائی مطمح نظر داشته تا از مجازات مظنونانی جلوگیری گردد که عدیم الاهلیت ویا فاقد اهلیت حقوقی ، اراده وفهم لازم بوده واز پیامد جرمی ویا حقوقی اعمالی بی خبر هستند مثلاً ارتکاب عمل جرمی توسط فرد مجنون، افرادی مصاب به امراض شدید روانی، طفل صغیر(نه مراهق) مسوولیت جزائی بعلت فقدان اراده وجود نداشته و افراد فوق الذکر در ارتکاب عمل جرمی مستلزم مجازات پنداشته نمیشود.

www.hoqooq.eu